نگاه

۲ نکته در مورد گفت‌وگوی وزیری‌هامانه

سیدغلامحسین حسن‌تاش

● در مـورد مصاحبه آقای وزیری‌هامانه کـه در روزنامه «شرق» مورخ ۲۰مرداد، درج شده دو تذکر به شرح زیر لازم به‌نظر می‌رسد:

۱- جناب آقای وزیری در بخشی از مصاحبه خود این تلقی را ایجاد کرده‌اند که گویا ایشان در دوره وزارتشان در مقابل فشـارهایی که برای تغییرات گسترده در مدیریت صنعت نفت قرار داشته‌اند، از میان مدیران ارشد نفت تنها آقای دکتر نژادحسینیان را جایگزین کرده‌اند که ایشان نیز در مرحله بازنشستگی بوده‌اند، در صورتی‌که جناب وزیری حتما به خاطر دارند که در یک روز به صورت همزمان ۹نفر از مدیران ارشد نفت با حکم ایشان عزل و جایگزین شدند، که هشت نفر دیگرشـان عبارت بودند از آقایان: میرمعزی مدیرعامل شـرکت نفت، ملاکی مدیرعامل شـرکت گاز، نعمـت‌زاده مدیرعامل شـرکت ملی صنایع پتروشـیمی، مهندس محمد آقایی مدیرعامل شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی،(که هر چهار مورد معاون وزیر هم بوده‌اند) رحیمی، معاونت منابع انسـانی وزارت نفت، سـیدعباس موسوی، معاونت اداری و مالی وزارت نفت، شفاعت، معاونت فناوری وزارت نفت، صالحی‌فروز، معاونت دریای خزر وزارت نفت (که اصولا سمت ایشان نیز حذف شد) و دکتر مهدی عسلی رییس موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی. با بعضی از معزولان نیز تا جایی که به یاد دارم برخورد خوبی نشد، مثلا جناب مهندس آقایی که از پاک‌ترین، شریف‌ترین و با تجربه‌ترین مدیران صنعت نفت بودند اصولا بی‌سمت شدند و سه ماه در خانه نشستند. اما انتظار دولت آقای احمدی‌نژاد به این تغییرات ختم نمی‌شد. جناب وزیری‌هامانه و بعد از ایشـان هم جناب مهندس نوذری، نفتی بودند و به دلیل محذورات و شناختی که داشتند علی‌القاعده نمی‌توانستند پرتقال‌فروش و لنت ترمزساز و امثال آن را جایگزین مدیران معـزول مذکور کنند و افـرادی از رده‌های پایین‌تر نفت را جایگزیـن کردند که این‌هم رضایت دولت را فراهم نکرد و فقط میرکاظمی بود که می‌توانست بدون یک ساعت سابقه در نفت، وزیر شود و ماموریت شخم‌زدن را تکمیل کند.

۲- جنـاب آقای وزیـری در بخش دیگری از مصاحبه خود اشاره می‌کنند که آقای نژادحسینیان بعد از برکناری، منتقد نفت شدند. اینجانب هیچ رفاقت و وابستگی به جناب دکتر نژادحسـینیان ندارم اما این فرمایش را غیرمنصفانه می‌دانـم چراکه به‌عنوان یک تحلیلگر نقاد همواره شـاهد بوده‌ام که جناب نژادحسـینیان هـرگاه و در هرزمانی که منافع ملی را در خطر دیده‌اند هشدار داده‌اند.

عقب‌ماندگی از قطر موجب شد

عدم کسب درآمد ۵۸۴میلیارد دلاری از پارس جنوبی

پویانعمت‌اللهی: متاسفانه براساس واقعیات موجود، عملا ایران هیچ برداشت مشخصی از لایه نفتی پارس‌جنوبی که با قطر مشترک است ندارد.

رقیـب قطری ما، روزانـه حدود ۴۵۰هزاربشـکه در روز برداشـت دارد. با عنایت بـه تمرکز شـدید روی حوزه‌های گازی، چه بسا تا تصمیم‌گیران فعلی بخواهند وضعیت آن را روشـن کنند، عملا لجن‌های نفتی سهم ما شود. در صورت بهره‌برداری از این میدان، می‌توان میزان میعانات تولیدی این میـدان (عمدتا نفت خام خیلی مرغوب و سـبک) را به مرز قریب به یک‌میلیون‌بشـکه رسانید. دقت کنیم که اگر تولید روزانه کشـور را بالای سه‌ونیم‌میلیون بدانیم، آنگاه سهم این میدان چقدر پراهمیت می‌شود (البته کارشناسان می‌گویند کـه این میعانات را نباید با نفت خام قیاس کرد... به هر حال ارزش هرمیلیون‌بشکه از این محصول، حدود ۵۰درصد بیشتر از نفت خام‌های سنگین برآورد می‌شـود.) اما بنا بردلایلی، تمامی دولت‌های اخیر بیشـتر روی ذخایر گازی این میدان متمرکز شده بودند. بیشتر اعضای کمیسیون انرژی معتقدند که دولت احمدی‌نژاد به این مهم کم‌توجهی نشان داده و حتی یکی از آنها می‌گوید: «ما که ندیدیم در دولت آقای احمدی‌نژاد هیچ فازی از پارس‌جنوبی افتتاح شده باشد.» وقتی دولت نهم در سال ۱۳۸۴ به قدرت رسید، تعداد پنج فاز از پارس‌جنوبی به‌طور کامل به بهره‌برداری رسیده بود و روزانه قریب به بالای صدمیلیون‌متر مکعب از این میدان به دست می‌آمد. در کنار آن، فازهای شش و هفت و هشت، حدود ۷۵درصد و فازهای نهم و دهم نیز حدود بالای ۴۰درصد پیشرفت داشتند. فقط فاز ۱۲ به‌تنهایی ظرفیتی معادل سـه فاز دیگر داشت که به مرحله قرارداد رسیده بود و عنقریب بود که عملیات اجرایی خود را آغاز کند. فازهای شماره ۱۵، ۱۶ و ۱۸ نیز در مرحله مذاکره بودند. هرچند سرعت در آن زمان بسیار مطلوب بود، ولی با توجه به اینکه قطری‌ها از سـرعت بالنسـبه بالاتری برخوردار بودند، مردان کارکشـته نفتی آن دوران، همواره از اینکه رقیب کوچکمان بتواند جلو بیفتد، واهمه داشتند. اما به هر تقدیر، متاسفانه کج‌مداری‌های دولت نهم و دهم در زمینه نفت و خصوصا مدیریت‌های نامعقول در این صنعت، باعث شد که هم‌اکنون کار به جایی برسد که تولید در هر فاز از میدان گازی پارس‌جنوبی حدود ۴۰هزاربشـکه میعانات گازی، یک افتخار تلقی می‌شود!

ما در هشت‌سال گذشته، پارس‌جنوبی را از دست دادیم.

یک نماینده اظهار کرده که «آنها (یعنی مسـوولان فعلی پارس‌جنوبی) می‌خواسـتند سمبل کنند و عملا دولت تا به حال در این زمینه پاسـخگو نبوده و نخواهد بود.» شاید این ادعا که اولویت‌های اساسی در الزامات بخش نفت، تا حدودی مغفول مانده و ترتیبات جاری، همچنان به حاکمیت سنتی و غیرساختارمند خود ادامه می‌دهند، چندان غیرواقع نباشد.

از سـوی دیگر میزان سرمایه‌گذاری در پارس‌جنوبی نیز بسـیار مبهم است. سـایت وزارت نفت می‌گوید که تاکنون ۴۰میلیارددلار در طرح توسـعه میـدان گازی پارس‌جنوبی هزینـه شـده و ۳۰میلیارد دیگر نیز هزینه خواهد شـد (اما نگفته که این میزان سرمایه‌گذاری مربوط به چه بازه زمانی‌ای اسـت)... حال آنکه کمیسیون انرژی معتقد است که تنها در سه سـال گذشـته بیش از ۴۶میلیارددلار در پارس‌جنوبی سـرمایه‌گذاری شده اسـت. حتی برخی نمایندگان نزدیک به دولت که در کمیسـیون انرژی حضور دارند نیز از شـدت «شـوربودن این آش» صدایشـان درآمده است و به صراحت بیان کرده‌اند که مدیران اجرایی پارس‌جنوبی در سـال‌های اخیـر قابلیت‌هـای لازم و شـرایط ایده‌آل بـرای مدیریت و توسـعه پارس‌جنوبی را نداشـته‌اند. حالا به هر تقدیر، همه این مسایل دست‌به‌دست داده تا فازهای پارس‌جنوبی که قرار بود تا پایان برنامه پنجم به‌طور کامل به بهره‌برداری برسـند طبق وعده‌های زمان‌بندی‌شـده افتتاح نشوند. از همین الان می‌توان پیش‌بینی کرد که اگر این موضوع مورد سـوال واقع شـود، بلافاصله تقصیرها را گردن «تحریم‌هـا» می‌اندازند... . اما آنچه از تحریم‌ها مهم‌تر اسـت، مقوله «مدیریت» اسـت. براساس قیمت میعانات گازی در بازار و قیمت هر بشکه نفت و هر btu گاز کارشناسـان معتقدند عدم‌النفع بهره‌برداری از پارس‌جنوبی روزانه حدود ۲۰۰میلیون‌دلار زیان است. درواقع در این هشت‌سـال ۵۸۴میلیارددلار به خاطر عقب‌ماندن در پارس‌جنوبی ضرر به کشـور وارد شده است. ممکن است در تعاملات و مناظرات و مباحثات، مکررا به این عامل «تحریم‌ها» اشاره شود؛ بنابراین از هم‌اکنون باید این آمادگی را در مخاطب ایجاد کرد که نمی‌تـوان و نباید تمامی تقصیرها را به گردن تحریم انداخت. اساسـا سـال ۱۳۹۱ را باید از منظر ارزیابی عملکرد پارس‌جنوبی، مورد تدقیق قرار داد؛ این تازه با احتساب طرح‌های تولید زودهنگام است.

عکس: AP

به بیان دیگر هرچند شـدت تحریم‌ها در این چند ماهه بیشـتر شده است؛ اما برای فهم کارنامه مدیران نفتی، نیازی نیسـت تا مقطع حاضـر به ارزیابی وقایع بنشـینیم؛ چراکه چگونگی توسـعه فازها تا پایان سـال ۹۱، خود راسا کارنامه توسـعه این میدان را هویدا می‌سازد. خرداد سال ۸۹ بود که پای پیمانکاران تامل‌انگیز برای قرارداد توسعه فازهای ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ تا ۲۴ باز شـد. در آن زمان، جو غالب آن بود که پیمانکاران داخلی، می‌توانند با هدف‌گذاری ۳۵ماهه؛ به توسـعه میدان بپردازند. با این حساب تا پایان سال ۱۳۹۱ میزان بیشتر از ۳۱ ماه از «مهلت ۳۵ ماهه» به پایان رسیده و مقطع مناسبی است تا بدانیم این پیمانکاران با راهبری مدیران نفتی چه عملکردی داشته‌اند. قبلا طبق برنامه قرار بوده برخی از فازهای دیگر، در سال ۱۳۹۰ به بهره‌برداری برسند، اما این وعده به سال ۱۳۹۱ رسید (اختصاصا فازهای ۱۲ و ۱۷ و ۱۸ و احتمالا ۱۵). برای مثال پالایشـگاه فازهـای ۲۲ تا ۲۴ از پیشرفت بیش از ۶۰درصدی برخوردار است؛ از یاد نبریم که ایـن فاز بزرگ‌ترین فاز اجرایی در میان طرح‌های ۳۵ماهه به شمار می‌رود.

سـایت وزارت نفت از قول رسـتم قاسمی اعلام کرد که شـش فاز پارس‌جنوبی در کمتر از ۳۵ماه به حدود ۶۲درصد پیشرفت رسیده‌اند و چهار فاز نیز حدود ۵۰درصد پیشرفت دارند و در برخی از فازها ساخت پالایشگاه‌ها به پیشرفت بیش از ۷۵درصد رسیده است. این آمارها مربوط به دورانی است که وعده ۳۵ماهه، عملا حدود پنج‌ماه قبل تمام شده و برخی فازها هنوز پیشرفت‌شان به نصف هم نرسیده است. متاسفانه هسته مرکزی این توسعه‌پذیری در پارس‌جنوبی (مانند پالایشگاه؛ سکوسـازی؛ خطوط لوله) از عقب‌افتادگی بسیار شدیدتری برخوردار است. قسمتی از این معضل، ناشی از کنارگذاشتن کمپانی‌های بزرگ نفتی اسـت؛ هرچند دانش فنی کشور در حوزه حفاری تقریبا مشـکل خاصی ندارد؛ اما معضل کمبود دکل‌ها همچنان پابرجاست (روزانه بابت اجاره هر دکل مدرن باید به طور میانگین حدود ۱۴۰هزاردلار پرداخت کرد).

آیـا باید تمامی این قصورها و کسـری‌ها را به حسـاب «تحریم‌ها» گذاشـت؟ چگونه اسـت که تمامی دولتمردان همـواره از «تحریم» به عنوان یک «فرصت» نام می‌برند و آن را مفیـد به فایده می‌دانند؛ امـا وقتی نوبت به صنعت نفت می‌رسد، این «فایده‌ها» به تمامی به هیچ انگاشته می‌شوند؟ جالب اسـت که مدیران تحمیلی وزارت نفت، در یک اقدام رسـانه‌ای که مصداقی از «فرار به جلو» است؛ اعلام کرده‌اند که ممکن است عملیاتی‌شـدن برخی فازها به علت برخی مشکلات با تاخیر مواجه شود!! اما آنها نگفته‌اند که منظورشان از «برخی مشکلات» دقیقا اشاره به چه نوع مشکلاتی است؟ چنـدی قبل، مدیر عامل شـرکت نفت و گاز پارس از سـه چالش بزرگ خبر داده بود به نام‌های «کمبود نیروی انسانی»؛ «دکل حفـاری» و «منابع مالی.» اما این سـه چالش در واقع سـه وجه مثلث «بی‌تدبیری» است؛ چراکه این چالش‌ها در گذشته هم وجود داشته؛ اما چرا تا به این اندازه معضل‌برانگیز نبوده است؟ کارشناسان راهکار آلترناتیو دیگری را پیشنهاد می‌کنند که لازم است در مناظره‌ها و بررسی عملکردها از این آمار استفاده شـود و آن این است که به جای ارایه آمارهای اعجاب‌انگیز؛ یک‌سری آمارهای توصیفی با منشاهای داخلی و کاربردی صنعت نفت مطرح کنیم سپس آنها را با واقعیات موجود مقایسـه کنیم... . مثلا شاخص‌های کمی برنامه‌های توسـعه‌ای اخیر در مورد افزایش تولید نفت و گاز را مطمح نظـر قرار دهیم و یا میزان جمـع‌آوری گازهای همراه نفت که سوزانده می‌شـود، و یا تزریق گاز به میادین نفتی برای افزایش بازیافـت، و یا درصد پیشـرفت پروژه‌های اصلاح و توسعه پالایشگاه‌های موجود و ساخت پالایشگاه‌های جدید (خصوصا پالایشگاه میعانات گازی ستاره خلیج‌فارس که به نوعی مکمل پارس جنوبی است) به عبارت دیگر، این آمارها می‌تواند به‌طور مقایسه‌ای برآورد مناسبی از ارزیابی عملکرد را فراروی ناظران قرار دهد.

خبر

رییس کل گمرک خبر داد

ترخیص ۲۲۰تن دارو

● **فارس:** رییس‌کل گمرک جمهوری‌اسـلامی با بیان اینکه ۲۲۰تن دارو از گمرکات ترخیص شده، گفت: در حال حاضر انباشت یا دپوی غیرعادی کالا در گمرکات کشور وجود ندارد. عباس معمارنژاد، در مورد ترخیص دارو و کالاهای اساسی گفت: ترخیص کالاهای اساسی در گمرکات کشـور خارج از نوبت انجام می‌شـود و اگر مشـکل ارز، قرنطینه یا فنی نداشته باشند، این کالاها سـریعا ترخیص و خارج از نوبت رسـیدگی می‌شوند. وی افـزود: در حـال حاضـر دپو یا انباشـت غیرعادی کالاهای اساسـی در گمرک نداریم. رییس‌کل گمرک جمهوری‌اسلامی خاطرنشـان کرد: تنها ۳۳۰ تن دارو در گمرکات مانده بود که با اسـتقرار نمایندگان وزارت بهداشت و بانک مرکزی اواخر هفته گذشته ۲۲۰ تن از ۳۳۰تن ترخیص شـده و بقیه این داروها ظرف امروز یا فردا ترخیص می‌شود. وی تاکید کرد: البته موجودی کالا در گمرک یک جریان ثابت نیست و مرتب کالا وارد شده و از یک طرف ترخیص می‌شود، اما باقیمانده این ۱۱۰تن دارو ظرف دو روز آینده ترخیص می‌شود.

زنگنه: تولید نفت را به سطح سال ۸۴ برمی‌گردانم

● **ایسـنا:** وزیر پیشـنهادی نفت می‌گوید: درصورت اخذ رای اعتماد از مجلس در اولین روزهای حضورم در صنعت نفت با کمک همه مجموعه نفت، مطالعه برای تغییر و اصلاح سـاختار قراردادهای نفتی با استفاده از نخبگان و کارشناسـان داخلی و خارجی را در دسـتور کار قرار خواهم داد. بیژن نامدارزنگنه درباره برنامه‌های خود درصورت کسـب رای اعتماد از سـوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفت: اولین کار من برگرداندن ظرفیت تولید نفت کشور به سال ۸۴ است و از هرگونه تلاش و تخصیص منابع برای این کار دریغ نخواهم کرد. البته نمی‌گویم که بلافاصله تولید باید به میزان گذشته بازگردد بلکه شـاید به دلیل تحریم این امر امکان‌پذیر نباشـد اما ظرفیت پایدار تولید باید ایجاد شود تا ما در هر شرایطی بتوانیم از نفت برای تامین نیازهای داخلی بهره بگیریم. وزیر پیشـنهادی نفت به مجلس شورای اسـلامی ادامه داد: همزمان با تامین نیاز انرژی داخلی بایـد به‌سـرعت طرح‌هایی که قابل بهره‌برداری اسـت به‌خصـوص در حوزه میدان‌های مشـترک را به نتیجه برسانیم و همچنین در تولید گاز از میدان پارس‌جنوبی باید متمرکز شد.